

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال دهم، شماره‌ی سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۱۱-۸۲

## واکاوی شورش‌های متقارن عصر نادری متاثر از احساس محرومیت نسبی

معصومه قره‌داغی<sup>۱</sup>، محمد فریدی<sup>۲</sup>

مقصودعلی صادقی گندمانی<sup>۳</sup>، منیره کاظمی‌راشد<sup>۴</sup>

### چکیده

حکومت‌داری نادرشاه سراسر با وقوع شورش‌های اجتماعی توأم بود. عوامل گوناگونی، از جمله فقدان مشروعيت سیاسی و شیوه‌ی حکومت‌داری، در ایجاد احساس محرومیت نسبی و در نتیجه بروز این شورش‌ها، نقش اساسی داشتند. مقاله‌ی حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با گردآوری داده‌ها از طریق کتابخانه‌ای، با امعان نظر به نظریه‌ی محرومیت نسبی، در پی پاسخ به چرایی وقوع این شورش‌ها و نیز این سوالات بوده است: شورش‌های متقارن چه اثرهایی در رفتار و کشورداری نادرشاه داشت؟ و آیا این شورش‌ها با احساس محرومیت نسبی عمومی مرتبط بود؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وقوع شورش‌های متقارن، به‌دلیل تمرد بزرگان کشوری، و نقطه‌ی عطفی در تغییر حُسن سلوک نادرشاه با مردم کشور بود و با تمسمک آشراف و سران به نافرمانی، احساس محرومیت نسبی نزولی درونی شده‌ی مردم، مفری برای ظهرور به شکل آشوب پیدا کرد. واژه‌های کلیدی: دوره‌ی افشاری، نادرشاه افشار، مشروعيت سیاسی، محرومیت نسبی، شورش

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی ( واحد شبستر)، استاد راهنمای اول، (نویسنده‌ی مسئول)، (masomehgaradagi90@gmail.com).

۲. دانش‌آموخته‌ی دکتری گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی ( واحد شبستر)، (mohammadfaridi698@gmail.com).

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنمای دوم، (m\_sadeghi@modares.ac.ir).

۴. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی ( واحد شبستر)، استاد مشاور، (kazemirashed@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹، تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۱۲/۰۳

## ۱. مقدمه

نسبت متواضع و نیز فقدان مشروعیت مذهبی، از همان آغاز ظهور نادر، دشمنی سرسختانه‌ای اشراف و سران قبایل و به تبع آنها بخشی از مردم را علیه او برانگیخت. این ناخرسندی‌ها ریشه در سابقه‌ی ذهنی و انتظارات فراینده‌ی روانی‌ای داشت که در وضعیت فقدان محرومیت واقعی بروز می‌کردند. با رقابتی هم که نادر با دولتمردان دوره‌ی صفوی داشت، میان نادر و آنها فاصله افتاد.<sup>۱</sup> نادر به تحدید نفوذ و فرمانروایی روحانیون نیز اقدام کرد.<sup>۲</sup> فقهاء برای نادر، نماد حامیان حکومتی به‌ذلت افتاده بودند که به تسخیر اذهان مردم شیعی‌مذهب در جهت صفوی‌پرستی و ایجاد نارضایتی از حکومت نادر می‌پرداختند<sup>۳</sup> و در برابر اصلاحات مذهبی او مانع تراشی می‌کردند. نادر در طی مسیر دولتسازی، و با شیوه‌ی استبدادی، اجازه‌ی سهیم‌شدن در قدرت را به هیچ‌کس نمی‌داد.

غنایم سفرهای هندوستان و ترکستان (شوال ۱۱۵۳ق / ۱۷۴۰م)، انتظارات عامه را افزایش داد و به‌دبیال سفر داغستان (محرم ۱۱۵۴ق / ۱۷۴۱م)، عوامل مختلفی به افول سلامت جسمی و روحی نادرشاه منجر شدند و با خروج دردناکش از داغستان (ذی‌الحجہ ۱۱۵۵ق / اوایل ۱۷۴۳م) مارش شورش‌های همه‌جاگیر در کشور به صدا درآمد. اکثر شورش‌های پیش از این مقطع، از زیاده‌خواهی‌ها و انتظارات روانی غیرواقع و خصلت‌های ستیزه‌جویانه‌ی قومی و قبیله‌ای ناشی می‌شدند. ولی پایه‌پایی افزایش صعودی تعداد سربازان نادر و تداوم جنگ‌های پایان‌ناپذیر، سرخوردگی و نامیدی و درماندگی مردم نیز در نتیجه‌ی بلعیده‌شدن امکانات مادی، گسترش یافت. امرا برای تادیه‌ی هزینه‌ها، زیر فشارهای شدید مالیاتی قرار گرفتند. طبق نظریه‌ی محرومیت، ایجاد مانع در راه حصول

۱. مایکل اکس و رسی، (۱۳۸۹)، شمشیر ایران: سرگذشت نادرشاه افشار، ترجمه‌ی حسن اسدی، تهران: کتاب آمده، ص ۴۷.

۲. م. آرونوا، ک. ز اشرفیان، (۲۵۳۶)، دولت نادرشاه افشار، ترجمه‌ی حمید امین، ج ۲، تهران: شبکه‌ی، ص ۱۳۴.

۳. سرجان ملکم، (۱۳۸۰)، تاریخ کامل ایران، ج ۲، ترجمه‌ی میرزا اسماعیل حیرت، تصحیح مهدی قمی‌نژاد، تهران: افسون، ص ۵۰۳.

اهداف و انتظارات، ناکامی و نارضایتی افراد را در پی خواهد داشت و چنانچه منبع محرومیت شناسایی شده و در دسترس باشد، پرخاشگری امری طبیعی برای کاهش تنش‌های روانی خواهد بود.<sup>۱</sup> انتظارات مردم نیز بعد از عملی نشدن و عده‌های بخشش سه‌ساله‌ی مالیاتی<sup>۲</sup> به یأس مبدل شد و به این ترتیب، تراکم فشارها و تنش‌های سرکوب شده فعال در ساختار ذهنی مردم، با تمسمک بزرگان و آشراف به نافرمانی (اواخر ۱۱۵۶ق/ ۱۷۴۴م)، فرصتی برای انفجار یافت و ماهیتی شورشی به صورت گسترشده و همزمان پیدا کرد؛ بنابراین «ظهور حرکات ناپسند از اهالی ایران که نمک‌پروردگاری حقوق این دولت بودند، سبب تغییر اعتقاد و تحریف نیت صافی طینت آن [نادر] گشته، ورق حُسن سلوک را برگردانید».<sup>۳</sup>

اگرچه تحقیقات مرتبط با تحولات و شورش‌های اجتماعی متأثر از محرومیت نسبی کم نیستند،<sup>۴</sup> تابه‌حال در بررسی علل شورش‌های عصر نادری، تحقیقی با رویکردی مبتنی بر نظریه‌های روان‌شناسانه، و سهم تحول در فرایندهای ذهنی افراد در شورش‌ها جایی نداشته است و نیز تمایزی میان انواع و اثرهای شورش‌ها صورت نگرفته است. بخشی از مطالعات با شمارش عوامل مختلف، سیاست مالیات‌گیری را در بروز شورش‌ها مهم دانسته‌اند.<sup>۵</sup>

۱. کاظم سام‌دلیری، (۱۳۸۲)، «سنجه محرومیت نسبی در نظریه‌ی تدریجی گر»، *فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی*، س. ۶، ش. ۲۲، ص. ۸۱۳.

۲. زان اوتر، (۱۳۶۶)، *سفرنامه‌ی زان اوتر (عصر نادرشاه)*، ترجمه‌ی علی اقبالی، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، ص. ۲۰۶.

۳. محمدکاظم مروی (وزیر مرو)، (۱۳۶۴)، *عالی‌زادی نادری*، ج. ۳، تصحیح: محمدامین ریاحی، تهران: زوار، ص. ۱۱۹۲.

۴. ازجمله: آناهیتا معتقد‌دراد، علی قاسمیان، زینب مالزیری، (۱۳۹۲)، «تحولات یمن در چارچوب نظریه محرومیت نسبی»، *فصلنامه‌ی مطالعات سیاسی*، س. ۶، ش. ۲۱، صص ۸۳–۱۰۶؛ حسین مسعودنیا، مریم هوشیارمنش، سمیه قارداشی، (۱۳۹۴)، «نارضایتی اقتصادی و جنبش‌های معاصر خاورمیانه بر اساس نظریه محرومیت نسبی»، *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره‌ی ۳، ش. ۲، صص ۸۶–۸۹.

۵. رضا شعبانی، (۱۳۸۱)، *نادرشاه افشار*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ص. ۱۱۲؛ دولت نادرشاه افشار، ص. ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۴، ۱۳۹؛ احمد درستی، (۱۳۹۱)، *دگرگونی ساخت دولت در ایران پیش‌مادرن*،

تحقیقاتی دیگر، سیاست مذهبی نادر<sup>۱</sup> و در بعضی نیز فقدان مشروعيت دولت افشاری و صفوی دوستی مردم،<sup>۲</sup> بیش از دیگر عوامل، مهم تلقی شده‌اند. رئیس‌السادات<sup>۳</sup> نقش لشکرکشی‌های متعدد و سیاست مذهبی و سیاست مالیاتی، و حسینی‌مطلق<sup>۴</sup> نقش سیاست مذهبی و سیاست مالیاتی نادر را از دیگر عوامل در بروز شورش‌ها مهم‌تر دانسته‌اند.

این مقاله با اتكا به «نظریه‌ی روان‌شناسی و فردگرایانه‌ی محرومیت نسبی تدریب‌گر»<sup>۵</sup> و در تحلیل بخشی از شورش‌های عصر نادری می‌کوشد تا به منع نارضایتی‌ها در این عصر پردازد و سپس نشان دهد که چگونه این احساس ذهنی‌روانی، تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی، شکل شورش به خود گرفت. تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، در پاسخ به این پرسش‌ها که: «اثرهای شورش‌های متقارن در تغییر رفتار و سلوک نادر با مردم چگونه بود؟» و «گرفتاری مردم در محرومیت و سرخوردگی تا چه اندازه در بروز این شورش‌ها مؤثر افتاد؟»، به این نتیجه رسیده است که این شورش‌ها در تقلیل ترحم و شفقت نادر نسبت به مردم کشور بسیار مؤثر افتادند و احساس

تهران: میزان، ص ۲۳۰؛ سید منصور جمالی، ستار بردی‌فجوری، سید مصطفی رحیمی، (۱۳۹۰)، «روش‌های مالیات‌گیری در دوره‌ی افشاریه»، پژوهشنامه‌ی تاریخ، س ۶، ش ۲۴، ص ۳۵.

۱. مرتضی میرحسینی، (۱۳۹۰)، از نادرشاه تا آقامحمدخان، تهران: کوله‌پشتی، ص ۵۰؛ رشید دانشمند، (۱۳۹۲)، «بررسی اوضاع اجتماعی اقلیت‌های مذهبی و برخورداری از آزادی‌های نسبی در دوره‌ی نادرشاه افشار»، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی، س ۵، ش ۳۱، ص ۸.

۲. مهدی دهقانی، (۱۳۹۴)، «نقش مشروعيت خاندان صفوی در مناسبات سیاسی پس از فروپاشی دولت صفویه (از حکمرانی محمود افغان تا پایان حکومت نادرشاه)»، کارنامه‌ی تاریخ، ش ۴، ص ۶۲؛ علی‌اکبر جعفری، عادل شعبانی‌مقدم، (۱۳۹۴)، «زمینه‌های اجتماعی و جریان‌شناسی مشروعيت‌یابی نادر»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، س ۵۱، دوره‌ی جدید، س ۷، ش ۲، ص ۳۹.

۳. تهمینه رئیس‌السادات، (۱۳۹۵)، «علل و زمینه‌های شورش‌ها و ناآرامی‌های عصر نادرشاه»، تاریخ پژوهی، س ۱۸، ش ۶۶، صص ۴۷-۷۴.

۴. عبدالباسط حسینی‌مطلق، (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل شورش‌های دوره‌ی افشاریه»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، به راهنمایی احمد عقیلی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۵. حمیرا مشیرزاده، (۱۳۷۱)، درآمدی نظری به جنبش‌های اجتماعی، تهران: پژوهشکده‌ی امام خمینی، ص ۲۳.

محرومیت نزولی ناشی از اوضاع پریشان کشور در ذهن مردم، همزمان با آغاز شورش‌های متقارن سیر صعودی به خود گرفت و در این آشوب‌ها به صورت گسترشده خود را به ظهور رسانید. این تحقیق بعد از اشاره‌ای به چارچوب نظری، توصیف و تبیین شورش‌های متقارن را در بر دارد و پیش از نتیجه‌گیری، به ارزیابی نظریه‌ی محرومیت نسبی در این شورش‌ها می‌پردازد.

## ۲. چارچوب نظری

در نظریه‌های روان‌شناسانه، فرضیه‌ی اساسی این است که انسان‌ها دارای خواست‌ها و نیازهای اساسی‌اند و اگر این خواست‌ها و نیازها سرکوب شود یا ناکام بماند، به پیدایش احساس خشونت و پرخاشگری می‌انجامد.<sup>۱</sup> در واقع، تصورات و احساسات فردی، که خود متأثر از تحولات اجتماعی‌اند، شرایط پیدایش آشوب‌ها را فراهم می‌آورند.<sup>۲</sup> تد رابرت گر نیز از جمله‌ی نظریه‌پردازانی است که با نظریه‌ی محرومیت نسبی،<sup>۳</sup> دلایل وقوع آشوب‌ها را در تصورات و ساقه‌ی ذهنی افراد جست‌وجو می‌کند و سپس نشان می‌دهد که چگونه این وضعیت ذهنی‌روانی، تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی، به شکل شورش و خشونت سیاسی، به عینیت تبدیل می‌شود. محرومیت نسبی که بر مبنای نظریه‌ی روان‌شناسخانی «محرومیت‌پرخاشگری» بیان شده عبارت است از «تفاوت درک‌شده بین انتظارهای ارزشی افراد (وسایل و شرایط زندگی‌ای که افراد معتقد‌ند به راستی حق آنهاست و مستحق آن‌اند) و توانایی‌های ارزشی آنها (وسایل و شرایطی که افراد فکر می‌کنند استعداد و استحقاق به دست آوردن و نگهداری آنها را دارند)». در واقع هر دو مفهوم انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی در سطح ذهنی افراد انسانی قرار دارند، با این تمايز که در انتظارات

۱. حسین بشیریه، (۱۳۸۷)، انقلاب و بسیج سیاسی، چ ۷، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۶۴.

3. Relative deprivation

۴. تد رابرت گر، (۱۳۷۷)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه‌ی علی مرشدی‌زاده، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، ص ۵۴.

ارزشی صرفاً با ذهنیت افراد، و در توانایی‌های ارزشی با نوع برداشت ذهنی افراد از عینیت و شرایط بیرونی روبرویم. از سوی دیگر، سه گونه ارزش می‌تواند محل احساس محرومیت نسبی باشد؛ ارزش‌های بین‌شخصی، ارزش‌های مربوط به قدرت، و ارزش‌های رفاهی.<sup>۱</sup> این احساس از دو مؤلفه‌ی ویژه نیز برخوردار است: مؤلفه‌ی شناختی (ادراکی) و مؤلفه‌ی عاطفی (احساسی). درک اینکه انتظاری یا توقعی برآورده نشده و نقض شده است، مؤلفه شناختی؛ و حس بی‌انصافی، رنجش و نارضایتی ناشی از نقض این انتظار جنبه‌ی عاطفی یا احساسی محرومیت نسبی را شکل می‌بخشد.<sup>۲</sup> خشونت انباشت شده در اثر تحمل محرومیت، به‌محض آزادشدن، منبع محرومیت را هدف پرخاشگری قرار می‌دهد و تلاش به نابودی فیزیکی آن می‌کند. اما در صورتی که این منبع، نامشخص باشد خشونت می‌تواند کورکورانه عمل کند و هر چیزی را هدف بگیرد.<sup>۳</sup> مطابق نظر گر، عنصر مشترک در تمامی شورش‌ها، احساس ناکامی است.<sup>۴</sup> محرومیت نسبی از سه الگو پیروی می‌کند: ۱. محرومیت نسبی نزولی؛ که در آن خواسته‌های مردم ثابت، ولی داشته‌های ایشان کاهش می‌یابد؛ ۲. محرومیت نسبی آرزویی؛ که در آن داشته‌های افراد ثابت، ولی خواسته‌ها و انتظارات افزایش می‌یابد؛<sup>۵</sup> ۳. محرومیت نسبی صعودی؛ که در آن داشته‌ها به‌شدت کاهش، و انتظارات و خواسته‌های افراد نیز همزمان به‌شدت افزایش می‌یابد. با اینکه محرومیت نزولی شایع‌ترین نوع محرومیت در جوامع سنتی و در حال گذر است،<sup>۶</sup> ولی خشونتی اندک بر می‌انگذارد. این تنها محرومیت بسیار شدید و صعودی است که احتمال دارد بخش‌های عظیمی از جامعه را به شورش واردard.<sup>۷</sup> تبعیض اقتصادی، تبعیض سیاسی، ظرفیت

۱. سعید ساسانیان، (۱۳۹۷)، «عملیات روانی سایت‌العربیه بر عرب‌های خوزستان با تمرکز بر احساس

محرومیت نسبی رفاهی»، *فصلنامه‌ی آفاق و امنیت*، س. ۱۱، ش. ۳۸، ص. ۱۱۹.

2. Mauro Tiraboschi and Anne Mass, "Reaction Preceived Deprivation in Ingroup and Outgroup:A Cross –Cultural Comparison ",European Journal of Social Psychology, (1998), Vol.28, PP.403-421 Us Bureau of Census (1998),Washington,D.C, pp. 403-404.

۳. ناصر فکوهی، (۱۳۷۸)، *خشونت سیاسی: نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها*، تهران: قطره، ص. ۷۴.

۴. چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، ص. ۷۲

۵. همان، صص ۸۰-۷۹

۶. همان، ص. ۲۹

تجزیه‌طلبی و شکاف‌های مذهبی، از جمله‌ی عوامل مهم ایجادکننده محرومیت نسبی‌اند.<sup>۱</sup> و هر چه ارزش‌های اقتصادی و مادی در جامعه‌ای گسترش یابد، احساس محرومیت نسبی بیشتر و شدیدتر می‌شود.<sup>۲</sup>

### ۳. شورش‌های متقارن

از تبعات زمین‌گیرشدن نادر در داغستان، گسترش فراینده‌ی ناامیدی و بیچارگی و فقر در میان مردمی بود که مسئول تهیه‌ی ملزمومات این جنگ فرسایشی بی‌حاصل بودند؛ بنابراین با خروج نادر از داغستان و حرکت به سوی مرزهای عثمانی «جمعی از بدنها دان بدکیش و مفسدان بداندیش، به جهت حُب جاه و مکنت، چون عرصه‌ی ایران را خالی از رضاقلی میرزای کامکار و نصرالله میرزای تاجدار دیدند، به خیال‌های فاسده افتاده، اراده‌ی سلطنت اختیار کردند».<sup>۳</sup> نادر «بعد از اینکه از تحقیر و ناسپاسی و فراموشکاری مردم، سخت دل‌آزده شد و برای اینکه از رفتار دور از انسانی آنان در امان باشد، برنامه‌ای را تدوین کرد که در آن پوزه‌ی گردنکشان و سران خودکامه را به خاک بمالد و با مالیات سنگین آنها را ناتوان گرداند».<sup>۴</sup>

### ۴. شورش خوارزم، اوایل ۱۱۵۷ق - ۱۷۴۳م

شورش خوارزم را می‌توان طبیعه‌ی شورش‌های متقارن نامید. «منزلت‌های خدشه‌دارشده افراد [بزرگان قبایل و طوایف]، که گذشته‌ی خود را مرجع می‌دانستند»<sup>۵</sup>، و نیز ظرفیت تجزیه‌طلبی<sup>۶</sup> و منازعات قومی، در این شورش نقشی اساسی داشت. به دنبال قتل آرتیق

۱. تد راپرت گر، (۱۳۷۹)، «منازعات مدنی» در: خشونت و جامعه، به اهتمام و ترجمه‌ی اصغر افتخاری، تهران: نشر سفید، صص ۱۶۰-۱۶۲.

۲. یوسف ترابی، آیت گودرزی، (۱۳۸۰)، «کالبدشکافی رهیافت محرومیت نسبی در پیدایش عصیان و شورش‌های اجتماعی»، نشریه‌ی دانش اجتماعی، ش ۱۱، ص ۱۰۲.

۳. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۲۰.

۴. سفرنامه‌ی زان اوتر، ص ۱۳۸.

۵. چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، ص ۵۴.

۶. «منازعات مدنی»، ص ۱۶۲.

ایناق – که از سوی نادر به تمشیت امور خوارزم مأمور شده بود – به دست ابوالغازی، والی کم‌سن‌وسال خوارزم، شورشی عظیم به پا خاست. سرکردگان سالور با اوزبک علیه یموت‌ها متعدد شدند و به قتل و غارت یکدیگر پرداختند. جماعت آرالی نیز دست به تطاول گشودند. این وضعیت دو سه ماه ادامه داشت. طوایف خوارزمی که زندگی را برای خود سخت دیدند مراتب را به نادرشاه که به محاصرهٔ موصل مشغول بود گزارش دادند.<sup>۱</sup> نادرشاه شش‌هزار نفر را در اوخر ۱۱۵۶ق (۱۷۴۳م)، روانهٔ خوارزم کرد. و بعد از مدتی، رقم سپهسالاری مملکت مذکور از سوی نادر به عهدهٔ اهتمام برادرزاده‌اش علی‌قلی مقرر شد.<sup>۲</sup> چند ماه بعد محمدحسن‌خان قاجار نیز [بعد از فرار از استرآباد] در خوارزم نمایان شد. او با تعدادی از متحدان یموتی خویش به آنجا رفته بود تا در آن منطقهٔ آشوب‌زده شورش به پا کند.<sup>۳</sup> نبرد سنگین علی‌قلی میرزا و سرداران همراه او با یموت‌ها در حوالی اورگنج اتفاق افتاد که در نتیجهٔ آن جمع کثیری از یموت‌ها کشته شدند و مال بسیاری از آن جماعت به دست خازیان درآمد.<sup>۴</sup> غیر از قتل و غارت و اسر و نهب، «نزدیک به نهصد نفر از سربازان و سران یموتی را سربریدند و سر آنان را بر نیزه کردند».<sup>۵</sup> هزاران اسیر ایرانی از دست خوارزمیان آزاد و اکثر آنها در خیوق‌آباد نادری اسکان داده شدند.<sup>۶</sup>

### ۳-۲. شورش محمد تقی خان شیرازی (ذی القعده ۱۱۵۶ق / دسامبر ۱۷۴۳م)

به نظر می‌رسد «اثرات سرخوردگی شدیدتر که با کمیت عکس العمل شدیدتر همراه است و

۱. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۳۵.

۲. همان، ص ۹۳۶؛ میرزامهدی استرآبادی، تاریخ جهانگشای نادری، (۱۳۹۰)، تصحیح میترا مهرآبادی، ج ۲، تهران: دنیای کتاب، ص ۴۴۱.

۳. لارنس لکهارت، غلامرضا افشارنادری، (۱۳۸۴)، نادرشاه آخرین کشورگشای آسیا، ترجمه‌ی اسماعیل افشارنادری، تهران: دستان، ص ۵۶۲.

۴. تاریخ جهانگشای نادری، (۱۳۹۰)، ص ۴۵۵.

۵. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۷۱.

۶. همان، ص ۹۷۵.

انگیزه‌هایی وافی برای خشونت جمعی فراهم می‌کند»<sup>۱</sup> در این شورش بسیار مؤثر بود؛ چراکه فشار مالیاتی شدید بر اهالی ایران بعد از اجرای مالیات‌بندی جدید سال ۱۷۴۳م (۱۱۵۶ق)،<sup>۲</sup> و ناتوانی تقی خان در اخذ مالیات سنگین مقرر بر اهالی فارس و در نتیجه همراهشدن او با مردم<sup>۳</sup> را از علل شورش او دانسته‌اند. و نیز «موجب آن [شورش]، در حقیقت عدم اعتماد او به پادشاه و بنابراین از بیم جان خود بود. نادر ترسیده بود که قدرت او از اندازه گذشته باشد».<sup>۴</sup> تقی خان از مسقط و عمان به سواحل فارس آمده ساحت بندرعباس را مضرب خیام نکبت‌انجام ساخت.<sup>۵</sup> نادرشاه، محمدحسین خان قرقلو را به سرداری [ایالت فارس] و احضار و طلب محمدتقی خان و کلب‌علی خان، به دربار سپه‌راقتدار<sup>۶</sup> مأمور نمود. اصرار شورشیانی که از پرداخت مالیات بالمضاعف مقرر عاجز مانده و حتی مجبور به فروش عیال و اطفال خود به طایفه‌ی فرنگی و سوداگران هندی شده بودند، مبنی بر پیوستن محمدتقی خان به آنها<sup>۷</sup> نیز در این مورد قید شده است. «با شنیدن خبر عصیان محمدتقی خان، ایلات سر به نافرمانی نهادند و در هرجا که توانستند، محصلان مالیاتی نادر را کشتن و برای الحق به تقی خان آماده شدند».<sup>۸</sup> با بهقتل رسیدن بیست نفر از محصلان نادر به دست جمعی از سرکردگان طایفه‌ی فیلی،

۱. چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، ص ۴۹.

۲. دولت نادرشاه/افشار، ص ۲۰۵.

۳. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۳۷.

۴. پادری بازن، (۱۳۶۵)، نامه‌های طبیب نادرشاه، ترجمه‌ی علی اصغر حریری، به کوشش بدرالدین یغمایی، ج ۲، گیلان: شرق، ص ۲۴.

۵. میرزا حسن حسینی‌فسائی، (۱۳۷۸)، فارسنامه‌ی ناصری، ج ۱، تصحیح منصور رستگارفسائی، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ص ۵۶۵؛ لکهارت نیز که به یادداشت‌های عوامل شرکت هند شرقی نزدیک‌ترین افراد به محل شورش-دسترسی دارد، آغاز شورش محمدتقی خان را در رأس پانصد نفر از بندرعباس می‌داند؛ لارنس لکهارت، (۱۳۳۱)، نادرشاه، ترجمه و انتباس مشق همدانی، تهران: چاپخانه‌ی شرق، ص ۳۰۴.

۶. تاریخ جهانگشای نادری، (۱۳۹۰)، ص ۴۲۹.

۷. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۳۷.

۸. نادرشاه، ص ۳۰۴.

کشتار محصلان در میان طوایف دیگر فارس نیز آغاز شد.<sup>۱</sup> شورشیان، محمد تقی خان را صاحب اختیار و فرمانروای خود ساختند. او در مقام پادشاهی سفیرانی را برای درخواست همراهی با قیام به ولایات اطراف فرستاد و حتی برای سرکوب رستم خان، حاکم بندر عباس، لشکر کشید.<sup>۲</sup> خزانین نادری در بندررات به دست محمد تقی خان افتاد و طرفداران نادر در این مناطق به قتل رسیدند. خان برای تصرف لار حرکت کرد ولی خبر فرستاده شدن الله وردی خان قرقلو با سی هزار نفر از سوی نادر برای سرکوبی شورش فارس، او را به بازگشت به شیراز مجبور ساخت.<sup>۳</sup> شورشیان شکست خورده و در داخل شیراز به محاصره افتادند. نادرشاه، هم توسط سفیر،<sup>۴</sup> و هم به وسیله‌ی رقم، به استمالت نقی خان پرداخته و به شرط عذرخواهی، به او [و عده‌ی] امان داد.<sup>۵</sup> اما «با رسیدن اخبار شورش استرآباد، تعدادی از سران و سربازان قاجاری حاضر در میان سربازان اعزامی نادر، به شورشیان فارس ملحق شدند»،<sup>۶</sup> و محمد تقی خان پیروزی را در یک قدمی خود احساس کرد و «به بزم و جشن اشتغال و به مباشرت و موافقت سران و شاهدان»<sup>۷</sup> پرداخت. سپاه پنجاه هزار نفری اعزامی نادر، چهار ماه و نیم محاصره را ادامه دادند.<sup>۸</sup> «با سقوط شهر، محمد تقی خان به همراه پسرش از شهر فراری شد و برای یافتن او جایزه تعیین گردید. مردم به صحن شاه چراخ پناه برداشتند ولی آنها را رسن به گردن بیرون آوردند. ذکور به قتل رسیده و انان را به اسیری گرفتند. جمیع اهل شیراز تا سه شبانه روز اسیر و تاراج شدند و تعداد زیادی از اهالی شهر به دست افغان‌های قشون اعزامی، به قتل رسیدند».<sup>۹</sup>

۱. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۳۷.

۲. همان، ص ۹۴۲.

۳. همان، صص ۹۴۴-۹۴۵.

۴. میرزا محمد کلاتر فارس، (۱۳۶۲)، روزنامه‌ی میرزا محمد کلاتر فارس، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه‌ی طهوری و سنایی، ص ۱۷.

۵. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۴۸؛ فارستامه‌ی ناصری، ج ۱، ص ۵۶۷.

۶. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۴۹.

۷. همان‌جا.

۸. فارستامه‌ی ناصری، ج ۱، ص ۵۶۷.

۹. همان، صص ۵۹۳-۵۹۶. دو کلمه‌مناره‌ی بزرگ از سر مردم شیراز برپا کردند (فارستامه‌ی ناصری، ج ۱، ص ۵۶۷)، تقی خان و پسرش با لباس‌های مبدل چوپانی در صحراها آواره شدند و سرانجام دستگیر و به

### ۳-۳. شورش محمدحسن خان قاجار در استرآباد و شورش مازندران (ذی‌الحجہ ۱۱۵۶ق / ژانویه ۱۷۴۴م)

به نظر می‌رسد احساس محرومیت سران قاجار از عضویت در گروه نخبگان سیاسی<sup>۱</sup> و ناکامی در دستیابی به قدرت، عامل اولیه در آغاز این شورش باشد که در پی آن به سرعت، ارزش‌های اقتصادی و بین‌شخصی مؤثر بر احساس محرومیت نسبی مورد اشاره‌ی گر، سراسر منطقه‌ی شمال را به شورش کشانید. محمدحسن خان از میان طایفه‌ی یموت، با جمعیت و استعداد فراوان و به دستیاری بکنجه‌ی یموت (خالوی مشارلیه) و خیانت بعضی از کدخدايان قاجار، از جمله محمدعلی‌بیگ عزالدین‌لو، وارد استرآباد<sup>۲</sup> شد؛ در ۱۵ ذی‌الحجہ ۱۱۵۶ق (اوایل ۱۷۴۴م)<sup>۳</sup> که هزار نفر ترکمن یموت و ۲ هزار نفر قاجار و جمعی دیگر که به حمایت از او قیام کرده بودند، استرآباد را تصرف کردند. با فرار محمدزمان خان، فرزند محمدحسین خان رئیس ایل یوخاری‌باش،<sup>۴</sup> شورشیان مقر حکومت را تصرف کردند و ذخایر شاه را به غارت برندند و کاروان‌های تجاری روس و انگلیس را تاراج کردند.<sup>۵</sup>

---

نزد نادر فرستاده شدند (عالیم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۵۷). سه پسران او را به همراه برادرش، گردن زدند و عیال آنها را فروختند و تقی خان را بعد از کورنمودن از یک چشم و عاری کردن از خصیتین، مقید ساخته، روانه‌ی اردوی اعلی نمودند (روزنامه‌ی میرزا محمد کلانتر فارس، ص ۱۷). به دستور نادر در بندرات، گناهکار و بی‌گناه قتل عام شدند، و سرکردگانی را که با محمد تقی خان همکاری کرده بودند به‌خصوص بزرگانی از طایفه‌ی قاجار - زنده‌زنده پوست کنندند (عالیم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۵۸-۹۵۹).

۱. چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، ص ۵۷. ارزش‌های مربوط به قدرت، ارزش‌هایی اند که میزان توان انسان‌ها در نفوذ بر کنش‌های دیگران و اجتناب از دخالت ناخواسته‌ی دیگران در کنش‌های خود را تعیین می‌کنند (همان، ص ۵۵)، و شامل مشارکت در تصمیم‌گیری جمعی، عضویت در گروه نخبگان سیاسی، و... می‌شود (همان، ص ۵۷).

۲. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۱۴ و ۹۶۰.

۳. تاریخ جهانگشای نادری، (۱۳۹۰)، ص ۴۴۰.

۴. نادر شاه آخرین کشورگشای آسیا، ص ۵۶۱.

۵. جونس هنوی، (۱۳۴۶)، زندگی نادر شاه، ترجمه‌ی اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۹۵.

کاهش درآمد سران طوایف در نتیجه‌ی سختگیری‌های مالیاتی نادرشاه، و انعکاس آن در وضع رعایا و ایلیات، و نیز کنارزدهشدن اشراف قاجار صاحب قدرت و نفوذ در عهد صفوی توسط اشراف قبایل خراسان که از نزدیکان نادر بودند،<sup>۱</sup> سرکردگان و اشراف منطقه و بهخصوص قاجارها را واداشت که با تحریک تودهی مردم گرفتار در سرخوردگی، در صدد عصیان به هدف رهایی از این وضعیت تحیر آمیز برآیند.

نادر، پهبدخان سردار اتک، و ساروخان قرخلوی افشار را به استرآباد فرستاد.<sup>۲</sup> شورشیان از قبل با حکمران ایالت مجاور (مازندران) در تماس بودند و آنها را به قیام و پشتیبانی از شورش استرآباد دعوت می‌کردند؛<sup>۳</sup> بنابراین در نواحی هزارجریب مازندران، حاجی صفر سولی [قلی] و حاجی کوثر، جمع کثیری را بر سر خود فراهم آورده‌اند و با محمدحسن خان قاجار یگانگی نمودند.<sup>۴</sup> امواج شورش استرآباد، به تدریج سراسر نیمه‌ی شمالی کشور را دربرگرفت. شورشیان مازندران که بیشتر از مردم عادی بودند، هم با کشتن بیگلریگی نادرشاه در مازندران،<sup>۵</sup> هم با کشتن اسماعیل‌بیگ، گماشته‌ی محمدحسن خان در مازندران، و هم با کشتن بعضی از زمین‌داران بزرگ از جمله صدیق‌آقا،<sup>۶</sup> از دیگر شورش‌های عصر نادری متمایزند. محمدحسن خان داعیه‌ی سلطنت داشت و نیز به دنبال انتقام خون پدرش بود،<sup>۷</sup> ولی شورشیان مازندرانی فرصتی به دست آورده بودند تا درماندگی و محرومیت خود را فریاد بزنند.

شکست سردار اعزامی نادر از شورشیان،<sup>۸</sup> با پیوستن یکی از سران قاجار به قشون

- 
۱. دولت نادرشاه افشار، ص ۱۸۷.
  ۲. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۶۰.
  ۳. نادرشاه آخرین کشورگشای آسیا، ص ۵۶۱.
  ۴. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۶۱.
  ۵. دولت نادرشاه افشار، ص ۱۸۷.
  ۶. همان، ص ۱۸۹.
  ۷. علی‌اکبر عنایتی، (۱۳۸۹)، مازندران در عصر وحشت (تاریخ مازندران در دوره‌های افشاریه و زندیه)، ساری: شلفین، ص ۵۳.
  ۸. محمدتقی لسان‌الملک سپهر، (۱۳۷۷)، ناسخ‌التواریخ (تاریخ قاجاریه)، ج ۱، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر، ص ۱۵.

حکومتی،<sup>۱</sup> جبران شد و با بروز اختلاف شدید میان شورشیان، بسیاری از بزرگان قبایل که رهبری قیام را در دست داشتند به دست شورشیان فرودست به قتل رسیدند.<sup>۲</sup>

با سرکوب شورشیان هزارجریب مازندران، در نواحی دامغان نیز از سر کشته‌شدگان کله‌مناره‌ها ساخته شد.<sup>۳</sup> بهبودخان نیز «از دولتخواهان محمدحسن خان، هر که را به دست کرد، سر برگرفت و از سرهای ایشان مناره‌ها برافراخت».<sup>۴</sup> زنان و طفلان قاجار و غیره طوایف تبعه‌ی محمدحسن خان را کوچ دادند و به بلده‌ی نیشابور فرستادند.<sup>۵</sup> محمدحسن خان و یکصد تن از پیروان قاجارش، به همراه اکثر ترکمن‌ها به سوی صحراهای شمال گریختند،<sup>۶</sup> تا بخت خود را در شورشی دیگر و در زمانی مناسب بیازمایند.

عنایتی، علل شکست مازندرانی‌ها را «اعتماد آنها به قاجاریه و ترکمانان»<sup>۷</sup> می‌داند. هنوز نیز، علاقه به تاراج کردن اموال کاروان‌ها را، علت شکست سپاه محمدحسن خان می‌نویسد.<sup>۸</sup> ولی واقعیت این بود که هیچ شورشی تاب مقاومت در برابر تحکمات و ابهت سربازان غالباً گوش به فرمان نادرشاه را نداشت.

### ۳-۴. شورش ذئبلی‌ها (مارس ۱۷۴۴ م / صفر ۱۱۵۷ق - ژوئن ۱۷۴۴ م / جمادی الاول ۱۱۵۷ق)

این شورش را می‌توان مصدق اصلی شورش متأثر از احساس محرومیت نسبی صعودی برخاسته از ارزش‌های رفاهی دانست. وقتی با اجرای سیاست سختگیرانه‌ی مالیاتی

۱. نادرشاه آخرین کشورگشای آسیا، ص ۵۶۲.

۲. دولت نادرشاه افشار، ص ۱۸۹.

۳. عالم‌آرای نادری، ج ۳، صص ۹۶۲-۹۶۱.

۴. ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه)، ج ۱، ص ۱۵.

۵. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۶۳.

۶. نادرشاه آخرین کشورگشای آسیا، ص ۵۶۲.

۷. مازندران در عصر وحشت، ص ۵۴.

۸. زندگی نادرشاه، ص ۲۹۵.

حکومت برای تنبیه شورشیان، فرصت لازم برای فراخوانی ولایات ایران به قیام از سوی صفی‌میرزا<sup>۱</sup> فراهم شد، «وجهه ابوب و مسترد خارج از توان دنبلی‌ها و مقرر شده از سوی نادر، جماعت دنبلی مع بلوکات و توابعات خوی و سلماس، روی از اوچاق گردون رواق تابیده، و با طایفه‌ی رومیه همداستان گشتند، و جمعی از محصلان را، که حسب‌الامر به جهت مداخل و مخارج و وجهه ابوب و مسترد تعیین شده بودند، قتیل و اسیر نموده، عصیان و طغیان ورزیدند. آنها عریضه‌ای نیز به نزد حاکم قارص و ارزن‌الروم قلمی داشته، خود را از جمله‌ی اخلاص‌کیشان دارای روم انگاشتند».<sup>۲</sup> اشتهرادی تغییر مزاج نادر و سختگیری بر حکام سرحدی دنبلی را عامل مهم روگردان شدن و گسیختن رشته‌ی بستگی به ایران و گریختن آنان به وان می‌داند.<sup>۳</sup> نادر در ماه مارس ۱۷۴۴ م / صفر ۱۱۵۷ ق، چند دسته از قشون خویش را به فرماندهی محمد رضا خان قرخلو، برای سرکوبی قیام روانه

- 
۱. در دوره‌ی شاه‌طهماسب دوم، عثمانی‌ها، محمدعلی نام رفسنجانی را به عنوان یک مدعی برای تاج و تخت ایران و با نام «صفی‌میرزای ثانی»، برادر بزرگ شاه‌طهماسب دوم وارد قسطنطیبه کردند و با اعزاز و احترام در خاک عثمانی [و برای روز مبارا] نگه داشتند (عبدالحسین نوابی، ۱۳۶۸)، نادرشاه و بازماندگانش، همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری، تهران: زرین، ص ۹۰) و برای او اخراجاتی قراردادند (تاریخ جهانگشای نادری، ۱۳۹۰، ص ۳۴). در این زمان، بیست‌هزار کس همراه صفی‌میرزا به قارص فرستاده شدند و افراد زیادی به خدمت گزاری او کمر بستند (عالی‌آرای نادری، ج ۳، ص ۳۴). دیری نگذشت که بخشی از مردم ایالات غربی و حتی تعدادی از سربازان جانب صفی‌میرزا را گرفتند (دولت نادرشاه افشار، ص ۲۰۰). احمد پاشا جمال اوغلو از سوی دولت عثمانی مأمور شده بود صفی‌میرزا را بُرد، در ایران ممکن سازد (تاریخ جهانگشای نادری، ۱۳۹۰، ص ۴۴۳)، او از جانب صفی‌میرزا، احکامی را در آذربایجان منتشر کرد (تاریخچه‌ی نادرشاه، ص ۱۰۱). با اتمام سرکوب شورش‌های مقترن (ژوئن ۱۷۴۴ م / جمادی‌الاول ۱۱۵۷ ق)، نادرشاه در روز پنجم شنبه، ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۱۵۷ ق، موكب همایون را به جانب قارص [برای سرکوبی صفی‌میرزا]، نهضت دادند (تاریخ جهانگشای نادری، ۱۳۹۰، ص ۴۴۵).
  ۲. عالم‌آرای نادری، ج ۳، صص ۹۹۹-۱۰۰۰. با «گاه رومی و گاه قزلباشی بودن دنبلی‌ها» (شريف‌خان بدليسی، ۱۳۷۳)، شرف‌نامه، ج ۳، تصحیح محمد عباسی، تهران: حدیث، ص ۴۰۲)، پیوستن دنبلی‌ها به عثمانی، مسبوق به سابقه بود.
  ۳. محمدحسن اشتهرادی، (بی‌تا)، تذکره‌الدنا به، نسخه‌ی خطی، کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، شماره‌ی ۸۳۴۵، برگ ۳۵ الف.

ساخت.<sup>۱</sup> مرتضی قلی خان دُبَلی، به سر عسکر قارص تعهد داد که هرگاه پنج‌شش‌هزار از عساکر رومی همراه او شوند، روانه‌ی دمدم، خوی، وان و سلماس شده و خوانین و سلاطینی را که از طرف نادر وارد آن محل گشته‌اند، با دلایل و وسایل، روگردان او جاق شهنشاهی کرده به خدمت می‌آورد و یا نقص و ضعفی در دولت نادری به عمل خواهد آورد. سر عسکر، بیست‌هزار مرد را همراه مرتضی قلی خان روانه نمود و آنها ایل‌غارکنان وارد محال خوی و سلماس شدند. در برخوردي که با سربازان اعزامی نادر صورت گرفت، یوسف پاشا به قارص فراری شد و مرتضی قلی خان به قتل رسید و به دستور نادر، محمد رضا خان در قلعه‌ی خوی ماندگار شد و بقیه‌ی فرماندهان به مقصد خود مراجعت کردند.<sup>۲</sup>

۴. بحث و ارزیابی نظریه‌ی محرومیت نسبی در شورش‌های متقارن  
اگرچه سراسر عصر نادری با شورش قرین بود، موضوع محدود تحقیق حاضر شورش‌های متقارنی است که در مجموع متأثر از احساس محرومیت نسبی صعودی بودند که در کل از ارزش‌های رفاهی و بین‌الاشرافی منشأ می‌گرفتند. «ارزش‌های رفاهی به‌طور مستقیم با رفاه مادی و تحقق نفس افراد در ارتباط است و شامل کالاهای مادی زندگی می‌شود و ارزش‌های بین‌الاشرافی نیز رضایت‌های روانی‌ای را شامل می‌شود که ما در تعامل غیراقتدارآمیز با دیگر افراد و گروه‌ها در صدد کسب آنها هستیم. در واقع این ارزش‌ها شامل سه طبقه‌ی ارزشی منزلت، تعلق به جمع، و انسجام فکری است».<sup>۳</sup> افزایش تصاعدی ارشن، علاوه بر مالیات‌بندی‌های جدید، به کارگیری نیروی کار جوان در نظام را طلب کرد. جنگ‌های متواتی نیز فرصت پرداختن به کشاورزی و بازرگانی را از دولت سلب کرد و سیاست‌های دولت از جمله سیاست کوچ، سیاست مذهبی و تحقیر و تذلیل سرکردگان، اشراف، اعيان و روحانیون، همه را از وضعیت سرخورده کرد. داشته‌های مردم روزبه‌روز ته

۱. دولت نادرشاه افشار، ص ۱۹۸.

۲. عالم‌آرای نادری، ج ۳، صص ۱۰۰۲-۱۰۰۳.

۳. چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، صص ۵۶-۵۷.

کشید و خواسته‌هایشان بعد از استماع خبر غنایم عظیم آورده شده از هند، به رؤیاهای دست‌نایافتمنی مبدل شد. به دنبال گرفتاری‌های نادر در داغستان، وعده‌های حکومت در مورد بخشش سه‌ساله‌ی مالیات،<sup>۱</sup> همانند آرامش و سکون وجود نادر، از بین رفت و با فقدان مشروعیت دولت، احساس محرومیت نسبی صعودی عمومی را، دیگر مانع و رادعی برای ظهرور به شکل آشوب و طغیان نبود. در ادامه به بعضی از متغیرهای مهمی که به تدریج زمینه‌ی ایجاد احساس محرومیت نسبی صعودی در ذهن مردم و در نتیجه، بروز شورش‌های متقارن را فراهم آوردند، در ذیل دو عنوان اشاره می‌شود:

#### ۴. فقدان مشروعیت سیاسی

مشروعیت مقوله‌ای احساسی و ذهنی-روانی است و به عنوان متغیری از «محرومیت نسبی [که] یک «حس» است و الزاماً همیشه واقعیت ندارد و بنابراین می‌تواند توهمند یا واقعی باشد»<sup>۲</sup> چالش بزرگ نادرشاه حتی با وجود اقدامات و خدمات تحسین‌برانگیزش تا زمان بازگشت از سفرهای هندوستان و ترکستان- تا آخر عمرش بود. تأییدات الهی برای فرمانروایی یک شخص یا خاندان [و نیز مشروعیت نسبی] زمانی اتفاق می‌افتد که فرد یا خاندان مذبور دارای نژاد اصیل و تحمله‌ی پاک می‌بود.<sup>۳</sup> ولی نادر، پوستین دوزی<sup>۴</sup> بود که «نه مفاخرتش به نسب بود و نه مباهاش به سلطنت مکتب».<sup>۵</sup> و تلاش‌های بسی وقهه‌اش در مسیر نسب‌سازی، تا اواخر عمر ادامه یافت. ازدواج خود و پسرش با دختران شاه‌سلطان حسین<sup>۶</sup> و ایجاد پیوندهای خونی با شاهزاده‌خانم‌های گورکانی و ترکستانی و

۱. جیمزیلی فریزر، (۱۳۶۳)، نادرشاه، ترجمه‌ی ناصرالملک، تهران: پاسارگاد، ص ۱۲۲.

۲. عملیات روانی سایت العربیه، ص ۱۱۸.

۳. علیرضا شجاعی‌زند، (۱۳۷۵)، «سلسله‌های اسلامی در ایران و مسئله‌ی مشروعیت»، فصلنامه‌ی حکومت/سلامی، ش ۲۵، ص ۱۷۱.

۴. عبدالکریم کشمیری، (۱۹۷۰م)، بیان واقع، تصحیح و تحقیق داکرکی - بی نسیم، لاہور: اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب لاہور، ص ۱۷۷.

۵. میرزامهدی استرآبادی، (۱۳۶۸)، تاریخ جهانگشای نادری، تهران، دنیای کتاب، ص ۳۵.

۶. رضا شعبانی، (۱۳۷۳)، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، ج ۱، تهران: قومس، ص ۲۷.

شاید هم طرح پیشنهاد ازدواج خود با امپراتوری‌س‌های روسیه<sup>۱</sup> به همین منظور بود. هاله‌ی سنگین قدسیت و سیاست و احترام خاندان صفوی، مانعی سترگ بر سر راه مشروعيت‌یابی سیاسی نادر بود. تلاش او بر «زدودن سنت خاندانی و سنت مذهبی عصر صفویه از ضمایر مردم»<sup>۲</sup> و طرح نظریه‌ی خامس مذاهب و مکتب جعفری، با «برگشت‌ناپذیری درهم‌تندیگی آمیزش تشیع با وجودان ملی ایرانیان و با نام خاندان صفوی»<sup>۳</sup> روبرو شد.

در نتیجه‌ی اصلاح مذهبی نادر، متغیرهای تعمیق شکاف‌های مذهبی<sup>۴</sup> و تضعیف انسجام فکری<sup>۵</sup> به احساس محرومیت نسبی مردم شدت داد و «دل مردم شیعی از نادر برگشت و اعتماد نادر نیز از مردم شیعی سلب گردید»<sup>۶</sup>. به تدریج تکیه‌ی او بر سربازانی قرار گرفت که «ایرانیان شیعه، اقلیت را در آن تشکیل می‌دادند»<sup>۷</sup>. و نادر «می‌کوشید یک جد مشترک مغول-تیموری را برای خود دست‌وپا کند»<sup>۸</sup>.

## ۲-۴. شیوه‌ی حکومت‌داری

نادر بر مردم و جامعه‌ای حکومت می‌کرد که منازعات قومی، آشوب‌های اجتماعی، پرخاشگری و کشمکش‌های قبیله‌ای، از صفات ممیزه‌ی آن محسوب می‌شد و تحکم و

۱. عالم‌آرای نادری، ج ۱، صص ۴۱۰-۴۱۱، ج ۲، صص ۴۶۰-۴۶۱، ج ۳، ص ۹۸۳، ۱۰۷۵.

۲. شمشیر/ایران، ص ۲۱۶.

۳. حامد الگار، (۱۳۷۱)، سلسله‌ی پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریچ، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران، طرح نو، ص ۲۱۷.

۴. «منازعات مدنی»، ص ۱۶۲.

۵. چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، ص ۵۷.

۶. فارسنامه‌ی ناصری، ج ۱، ص ۵۸۱.

۷. شمشیر/ایران، ص ۳۱۷.

۸. درباره‌ی همذات‌پنداری نادر با تیمور، بنگرید به:

Peter Avery, Gavin Hambly, Charles Melville, (2008), *The Cambridge History of Iran (From Nadir Shah to the Islamic Republic)*, Volume7, Cambridge university press, pp.10, 39, 45, 54, 56; Ernest Tucker, (2006), *Nadir shah's Quest for Legitimacy in Post- Safavia Iran*, Gainesville, University press of Florida, pp.10, 13, 38, 68, 75, 78, 79, 84; 1.Mahmud- Nadir şah mektuplaşmaları, 3 Numaralı Name- I Humayün Defteri, (2014), İstanbul, Bşbakanlık Devlet Arşivleri Genel Mudurluğlu Osmanlı Arşivi Daire Başbanlığı. pp. 30, 32, 67, 70, 136.

سطوت نادری، تنها عامل بازدارنده‌ی این کُنش‌های بی‌ساختار و بی‌ثبات بود. در حالی که به نظر گر، سیاست‌های قهرآمیز اگر الزاماً در کوتاه‌مدت باعث شکست اهداف خود نشوند، در بلندمدت چنین خواهند بود.<sup>۱</sup> و از طرفی دیگر، همین «پیشینه‌ی قوی از منازعه‌ی قومی [به تدریج] به بروز محرومیت نسبی و به شکل‌گیری منازعه‌ی مدنی شدید»<sup>۲</sup> منتهی شد. اینکه به نظر گر «محرومیت نسبی ممکن است بر اساس مقایسه‌ی وضعیت فعلی فرد با گذشته‌ی خود و با گروه مرجع و نیز ارجاع به گروه‌های دیگر شکل گیرد»،<sup>۳</sup> هم در مورد کوچ‌داده‌شدگان اجباری و هم در مورد شورش‌های صفوی‌خواهی و هم در شورش‌های متقارن عصر نادری می‌تواند صادق باشد.

نهادهای دینی و نظامی و دیوانی، همواره سه ستون دولت‌ها در ایران و در جهت سه کارکرد اصلی دولت در حمایت از مذهب رسمی، تأمین امنیت و جمع‌آوری مالیات را تشکیل می‌دادند.<sup>۴</sup> دیوان‌سالاران هنجرهای لازم میان مردم و حکومت را به وجود می‌آوردن و وزیر، عناصر مختلف دیوان‌سالاری را به نهاد سلطنت ربط می‌داد. گروه متنفذ و صاحب قدرت روحانیون نیز، اختیار حیات و ممات مردم را در همه‌ی اعصار تاریخ حیات ملی، در دست داشته‌اند.<sup>۵</sup> نادر این روال را برهم زد و حاصل آن بروز «محرومیت نسبی [شدید] در نتیجه‌ی اختلاف میان انتظارات مشروع و واقعیت»<sup>۶</sup> میان بزرگان و سران بود. نادر از روزی که بر مستند شهریاری تکیه زد، به ایرانیان تفهیم کرد که بسی پشتیبانی وزرا [و دیوان‌سالاران]، سلطنت را اداره خواهد کرد؛<sup>۷</sup> بنابراین کسی را شایسته‌ی شور و

۱. چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، ص ۱۹.

۲. «منازعات مدنی»، ص ۱۵۶.

۳. همان، ص ۱۵۴.

۴. دگرگونی ساخت دولت در ایران پیش‌مدون، ص ۷۵.

۵. تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، ج ۱، ص ۲۰۸.

۶. چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، ص ۵۴.

۷. آندره دوکلوستر، (۱۳۴۶)، تاریخ نادرشاه، ترجمه‌ی محمدباقر امیرخانی، تبریز: کتابفروشی سروش، ص

.۱۷۱

مشورت نمی‌دانست و کسی را حق چون و چرا در کارهای وی نبود.<sup>۱</sup> دفاتر حسابی وجود نداشت و مأموران به میل خود مالیات‌هایی می‌گرفتند و قسمتی را برای خود برمی‌داشتند و قسمتی دیگر را به خزانه‌ی دولت تحويل می‌دادند.<sup>۲</sup> تقابل نادر با روحانیون نیز «آنها را به دشمنان اصلی حکومت نادر تبدیل کرد و آنان عامل مهمی در زوال حکومت نادرشاه بودند».<sup>۳</sup>

تمام اختیارات مملکتی به نظامیان سپرده شد و نام و نشان چندانی از مردان سیاست و تدبیر بر جای نماند.<sup>۴</sup> او با بر جسته کردن ارتش که در طول تاریخ «وسیله‌ای برای رسیدن به «هدف» که همانا آسایش مخلوق بود، به وسیله بیش از هدف پرداخت.<sup>۵</sup> او نمی‌خواست با خزاین هند [که توقعات مردم را افزایش داده بود] جیب‌های خصوصی را در ایران پُر کند و یا مردانش با ثروتمندشدن به فکر شورش بیفتند. این سیاست، گرایش ایرانیان به پنهان کردن سرمایه‌ی خود از مأموران حکومتی را تقویت کرد<sup>۶</sup> و به تقابل هرچه بیشتر دولت و مردم انجامید.

به نظر می‌رسد با «شگفتی قدرت‌های استعمارگر نوظهور از فتح هندوستان به دست نادر، [که] استراتژیست‌های روسیه و بریتانیا را متوجه خطر ظهور یک قدرت جهانی به فرماندهی نادر و در رأس فرهنگ پویای ایرانی نمود»<sup>۷</sup> این کشورها برای جلوگیری از قدرت یافتن ایران به فرماندهی نادر، در شورش‌های «مردم گرفتار در محرومیت نسبی که

۱. نادرشاه و بازماندگانش، همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری، ص ۱۷۵.

۲. نادرشاه، ص ۲۵۲.

۳. رضا شعبانی، (۱۳۶۲)، «قدی بر کتاب دولت نادرشاه افشار - طرح کلی روابط اجتماعی ایران در دهه‌های چهارم و پنجم قرن هجره‌هم»، نشریه‌ی جستارهای ادبی، ش ۶۲، ص ۴۷۴.

۴. رضا شعبانی (مصحح)، (۱۳۷۶)، حدیث نادرشاهی، ج ۲، تهران: بعثت، ص ۱۸۸.

۵. محمدابراهیم باستانی‌باریزی، (۱۳۷۸)، از پاریز تا پاریس، قم: خرم، صص ۳۶۹-۳۶۸.

۶. پتر آوری؛ گاوین هامبلی؛ چارلز ملوین، (۱۳۸۷)، تاریخ ایران دوره‌ی افشار، زند و قاجار به روایت کمیریج، ج ۷، ترجمه‌ی مرتضی ثابت‌فر، تهران: جامی، صص ۷۸-۵۸.

7. Kafkazli Seyed Javad, (2014), “Containment Policy and the Specter of Nader Regional Issues and Global Consequences”, *Just Peace Diplomacy Journal International Peace Studies Centre (IPSC)*, Number 9, London, UK, p. 81-82.

به آسانی تحت تأثیر افراد متقدعاً دساز، غوغانگیز و عوام‌فریب قرار می‌گیرند»<sup>۱</sup>، نقش بازی کردن<sup>۲</sup> و دولت نادری را به بازی گرفتند.<sup>۳</sup> پاتریک‌های اروپایی در سال ۱۱۵۴ / ۱۷۴۱ م علاوه بر دادن پول و فریب مردم ارمنی جهت فراخوانی به دین خود و ترغیب به مهاجرت، با همراهی و معاضدت حاکمان محلی به جاسوسی در ایران نیز پرداختند.<sup>۴</sup>

۱. محمدحسین الیاسی، (۱۳۸۱)، «نظریه‌های تحلیل روان‌شناختی رفتارهای جمعی اعتراض‌آمیز»، نشریه‌ی دانش‌انظامی، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۷۱.

۲. سلطان عثمانی که نگران آغاز جنگ از سوی نادر علیه عثمانی بود (نادرشاه، ص ۲۸۲)، اختلافات خود با دول غربی را مرتفع ساخت (زندگی نادرشاه، ص ۲۶۱) و با استقبال از ناکامی نادر در داغستان، با ارسال هدایایی که توسط هیئت سفارتی انجام گرفت، غازیان و مجاهدان قفقاز را مورد تفقد قرار داد (جمال گوگجه، ۱۳۷۳)، قفقاز و سیاست امپراطوری عثمانی، ترجمه‌ی وهاب ولی، تهران: وزارت امور خارجه، ص ۱۲۸، ۴۳ و با علم کردن مدعیان پادشاهی (تاریخ ایران دوره‌ی افشار، زند و قاجار به روایت کمبریج، ج ۷، ص ۶۵-۶۶)، شورش‌ها را دامن زد.

وقتی نادر بعد از سرکوب شورش‌های متقارن به محاصره‌ی موصل مشغول بود (۱۷۴۴م)، پیکی از جانب محمدشاه وارد قسطنطینیه شد که حامل نامه‌ای برای سلطان عثمانی بود. در این نامه پیشنهاد شده بود که دو کشور علیه ایران با هم متحد شوند. این کار از دسیسه‌های بانوال Bonneval [انگلیسی؟] بود که که سه سال قبل [۱۳۵۲-۱۳۵۴ / ۱۷۴۱] به سفیر فرانسه در قسطنطینیه پیشنهاد کرده بود که ایجاد اتحاد مابین هندوستان و عثمانی علیه ایران کاری مصلحت‌آمیز است (نادرشاه آخرین کشورگشای آسیا، ص ۵۶۹).

به گزارش سفیر ایران، دربار روسیه سیاست خود را در برابر او تغییر داد (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۶)، «تجاوذهای پیاپی روسیه به ایران پیش از جنگ‌های ایران و روس»، مجله‌ی اطلاعات سیاسی‌لاقتصادی، ش ۲۳۵ و ۲۳۶، ص ۷۰. آنها به حُسن نیت نادر مشکوک شدند (نادرشاه، ص ۲۵۵). و دلیل اصلی شکست نادر در داغستان را فراهم آورده (عبدالحسین زرین‌کوب، ۱۳۸۳)، روزگاران (تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی)، تهران: سخن، ص ۷۵۱) و بدین ترتیب زمینه‌ی شورش‌های داخلی فراهم شد.

۳. کاظم موسوی‌بنوردی، (۱۲۹۲)، تاریخ جامع ایران، ج ۱۱، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۶۵۱.

۴. رمان سمباتیان، مرتضی دهقان‌زاد، لقمان دهقان‌نیری، (۱۳۸۸)، «سیاست مذهبی نادرشاه در قفقاز»، نشریه‌ی تاریخ اسلام و ایران، ش ۳، ص ۸۵.

## | واکاوی شورش‌های متفاوت عصر نادری متأثر از احساس محرومیت نسبی | ۱۰۳

همزمان با وقوع شورش‌های متفاوت و تا مدتی بعد (۱۷۴۶ تا ۱۷۴۴ق)، قحطی و خشکسالی در اکثر ولایات ایران حکم‌فرما بود.<sup>۱</sup> با کاهش درآمد واحدهای کشاورزی، درآمد مأموران دولت نیز کاهش یافته بود و با توجه به اینکه نادرشاه امرای خود را در مواردی از تحصیل آب و ملک و مال و اموال نیز منع می‌کرد،<sup>۲</sup> آنها قادر و حاضر نبودند مالیات‌های تصاعدی را از جیب خود تأمین کنند، و از طرفی با تأکید و توسل بیش از حد نادرشاه بر مجازات و تنبیه که شیوه‌ی معمول او در کشورداری بود، مواجه بودند. «به‌کارگیری تنبیه و خشونت و مجازات شدید، خود عاملی برای ایجاد محرومیت جدید بود و توسل محرومان به روش‌های خشن را افزایش می‌داد»؛<sup>۳</sup> بنابراین با «سیاهکاری‌های مأمورین نادان و جاہل و طماع و تحریکات عوامل همسایگان»،<sup>۴</sup> شورش‌های داخلی شعله‌ور شد. سران و اشراف قبایل چادرنشین و نیمه‌چادرنشین نیز که به سبب وخیم شدن اوضاع اقتصادی و سیاسی خود خشمگین شده بودند، این شورش‌ها را ایجاد و سعی می‌کردند حکومت و استقلال به دست آورند.<sup>۵</sup>

در شورش خوارزم، غیر از حس تنفر پنهانی بزرگانِ موقعیت از دست داده از دولت

۱. دولت نادرشاه افشار، ص ۲۸۰؛ جعفر مهدی‌نیا، (۱۳۷۹)، قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران، ج ۱، تهران: پاسارگاد، ص ۵۲۶.

۲. در فرمانی، نادر سهراب‌بیک وزیر هرات را از تصاحب املاک و حمام منع می‌کند و با اشاره به این نکته که: خود شاه [نادرشاه] که پیوسته «خانه‌به‌دوش» است، سهراب‌بیک حق ندارد در آنجا زمینی را مالک شود، به او فرمان می‌دهد که ابیهی جدید و املاکی را که در دارالسلطنتی هرات مالک شده است به ملکیت دیوان درآورد و املاک خود را محدود به خانه‌ای سازد که در آن زندگی می‌کند. و نیز اوقاتی را که قبلاً صرف به دست آوردن آب و ملک و مال و ثروت می‌کرد، مصروف امور مملکتی نماید (ا.ک.س. لمتون، ۱۳۶۳)، مالک و زارع در ایران، ترجمه‌ی منوچهر امیری، ج ۳، تهران: علمی و فرهنگی، صص ۲۵۲-۲۵۳؛ میرزا مهدی استرآبادی، (۱۳۸۳)، گزیده‌ای از منشآت میرزا مهدی استرآبادی، منشی‌الممالک نادرشاه افشار، به کوشش ناصرالله بیات، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۷۵-۷۶).

۳. «منازعات مدنی»، ص ۱۵۴.

۴. سفرنامه‌ی ژان اوتر، ص ۳۱۱.

۵. دولت نادرشاه افشار، ص ۱۷۰.

افشاری، که مطابق نظریه‌ی محرومیت «در پی اعاده‌ی اوضاع خوب از دست رفته و اعتراض خشونت‌آمیز به وضعیت موجود»<sup>۱</sup> به شورش آغازیده بودند، «قططی و غلام[ای] دامنگیر منطقه»<sup>۲</sup> نیز عامه‌ی مردم را به دنبال تمرد خوانین و رؤسا، به اغتشاش و آشوب سوق داد. شورش محمد تقی خان به منزله‌ی پایان اعتماد نادر به برکشیدگانش بود. «بعد از طغیان تقی خان و تمرد جماعت داغستانی و بعضی بلاد دیگر، خاطر معدلت‌ماثر شاهنشاهی در استرداد آنچه بخشیده بود، قرار گرفت و محصلان شدیدالعمل گماشته، از ارباب‌داران و مباضرین دیوانی مطالبه می‌نمود». <sup>۳</sup> نادر با شدت‌گرفتن شورش‌های داخلی، حمله‌ی چنگیز به ایران و قتل و غارت مردم ایران به دست مغولان را حق این مردم نمک‌نشناس دانست.<sup>۴</sup> خُلق و خوی او خشن‌تر شد و بیش از پیش بر رعایای ایرانی شدت عمل به خرج داد،<sup>۵</sup> و شراره‌ی غصب قیامت‌لهب صاحبقران گیتی‌ستان در مملکت ایران انتشار یافت، و گناهکار و بی‌گناه، مالدار و فقیر و سپاهی و رعایا و ضعفا و تر و خشک از آتش خشم آن حضرت سوختند و واویلا از خان و مان رئوس و رؤسا به اوج فلک رسید.<sup>۶</sup> نادر بنا را به قهر و غصب گذاشته در قتل و غارت مضایقه نکرده، به هر ولایت که می‌رسید حکام و عمال و ضابطین آن ولایت را اکثری از چشم معیوب و برخی را در قتل و غارت فرمان داده، حکام و عمال جدید تعیین می‌فرمود.<sup>۷</sup> از آنجا که هر چه محرومیت نسبی بیشتر شود، همبستگی و پیوندهای سنتی و گروهی کمتر می‌شود،<sup>۸</sup> و نیز به دلیل ناهمانگی میان رهبران شورشی، و عدم برخورداری این رهبران از نفوذ و حُسن شهرت در میان مردم، همه‌ی این شورش‌ها

۱. انقلاب و پسیح سیاسی، ص ۱۵.

۲. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۱۱۷۴؛ تاریخ جهانگشاپی نادری، (۱۳۹۰)، ص ۴۰۱.

۳. فارسنامه‌ی ناصری، ج ۱، ص ۵۶۹.

۴. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۹۱۴.

۵. نادرشاه آخرین کشورگشاپی آسیا، ص ۵۶۴.

۶. عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۱۱۸۳.

۷. همان، ص ۱۰۸۳.

۸. فرامرز رفیع‌پور، (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه‌ی پتانسیل آنومی در شهر تهران، تهران: سروش، ص ۱۲۰.

با شکست روبرو شدند.<sup>۱</sup>

##### ۵. نتیجه‌گیری

طبق نظریه‌ی محرومیت نسبی، خاستگاه اصلی خشونت‌های اجتماعی و شورش‌ها، ریشه در بُعد روانی انسان‌ها دارد؛ احساسی که به شکافی عمیق میان انتظارات شخص با آنچه در واقعیت وجود دارد منجر می‌شود. به نظر رابرت گر، زمانی که وعده‌های حکومت تحقق نیابد، انتظارات فراوانی در مردم ایجاد شود، تبیه و مجازات حکومتی شدت بسیاری یابد، شکاف‌های مذهبی و منازعات قومی وجود داشته باشد و در مشروعيت یک نظام تشکیک شود، احساس محرومیت نسبی به اوج خود می‌رسد و شکل صعودی به خود می‌گیرد. در واقع سیاست‌های کوچ، مالیات‌گیری، حذف دیوان‌سالاری، کاهش قدرت سران و بزرگان و روحانیون، و بهخصوص اصلاحات مذهبی نادر که برخلاف عادات و انتظارات مألف عامه و سران عامه بود و احساس تعلق به جمع و نیز انسجام فکری را از بین برد، با علاوه‌گشتن به اثرهای احساس فقدان مشروعيت سیاسی حکومت نادرشاه، از تبدیل قدرت او به اقتدار مانع شدند و به عنوان متغیرهایی برای بروز احساس محرومیت ذهنی افراد به شکل شورش عمل کردند. فتوحات خیره‌کننده‌ی نادر در هندوستان و ترکستان نیز، از یک سو دسیسه‌های کشورهای همسایه و غربی رقیب، و از سویی دیگر افزایش شکاف ناگهانی بین توقعات و بهره‌مندی‌های مردم را در پی داشت (محرومیت نسبی آرزویی). با ناکامی‌های نادر در داغستان و نافرمانی امرا و فسخ وعده‌ی بخشش سه‌ساله‌ی مالیاتی از سوی نادر، بعض و کینه‌ی سران و امرا علیه حاکمیت نادر شکست و اثرهای سرخوردگی و محرومیت نسبی پیش‌روnde در رفتارهای عامه با تفوق ارزش‌های قدرت، رفاهی و بین‌الاشخاصی در این محرومیت، به شکل شورش‌های اجتماعی به ظهور رسید.

در واقع شورش‌های متقارن، در آغاز شورش امرا و حکامی بود که از ارزش‌های قدرت محروم بودند، ولی به سرعت مردم سرخورد نیز با امرا همراه شدند. در شورش خوارزم و استرآباد، نقش خصلت‌های ستیزه‌جویانه‌ی قومی و قبیله‌ای پرنگ‌تر از دیگر

۱. نادرشاه آخرین کشورگشای آسیا، ص ۵۶۳-۵۶۴.

شورش‌ها بود. خشونت شورشیان مازندران متوجه همه‌ی عواملی بود که آنها را مسئول بدبختی خود می‌دانستند؛ شورش آنها مردمی‌ترین شورش این دوره بود. شورش محمد تقی خان که از برکشیدگان و معتمدان نادر بود، بیش از دیگر شورش‌ها در تغییر حُسن رفتار، و سلب اعتماد او از اطرافیان و امرا و مردم ایران مؤثر افتاد. با درک اثرهای غیرقابل تحمل سیاست شدید مالیاتی نادر، دنبلی‌ها به شورش فراخوانی‌های صفی‌میرزا لبیک گفتند و نیز با دشمن خارجی (عثمانی)، علیه نادر متحد شدند. با آغاز این شورش‌ها، نادرشاه زیاده‌ستانی و قتل و غارت مردم ایران را وجهه‌ی همت خود قرار داد.

### منابع و مأخذ

- آرونوا، م؛ اشرفیان، ک.ز، (۱۳۸۶)، دولت نادرشاه افشار، ترجمه‌ی حمید امین، ج ۲، تهران: شبگیر.
- آوری، پتر؛ هامبلی، گاوین؛ ملوین، چارلز، (۱۳۸۷)، تاریخ ایران دوره‌ی افشار، زند و قاجار به روایت کمبریج، ج ۷، ترجمه‌ی مرتضی ثابت‌فر، تهران: جامی.
- استرآبادی، میرزامهدی، (۱۳۶۸)، تاریخ جهانگشاپ نادری، تهران: دنیای کتاب.
- ———، (۱۳۸۲)، گزیده‌ای از منشآت میرزامهدی استرآبادی، منشی‌المسالک نادرشاه افشار، به کوشش نصرالله بیات، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ———، (۱۳۹۰)، تاریخ جهانگشاپ نادری، تصحیح میترا مهرآبادی، ج ۲، تهران: دنیای کتاب.
- اشتهرادی، محمدحسن، (بی‌تا)، تذکره‌الدنا به، نسخه‌ی خطی، کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، شماره‌ی ۸۲۴۵.
- اکسورسی، مایکل، (۱۳۸۹)، شمشیر ایران، سرگذشت نادرشاه افشار، ترجمه‌ی حسن اسدی، تهران: کتاب آمه.
- الگار، حامد، (۱۳۷۱)، سلسه‌ی یهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- الیاسی، محمدحسین، (۱۳۸۱)، «نظریه‌های تحلیل روان‌شناختی رفتارهای جمعی اعتراض آمیز»، نشریه‌ی دانش‌انتظامی، ش ۱۳ و ۱۴، صص ۶۴-۸۱.
- اوتر، زان، (۱۳۶۶)، سفرنامه‌ی زان اوتر (عصر نادر شاه)، ترجمه‌ی علی اقبالی، ج ۲، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- بازن، پادری، (۱۳۶۵)، نامه‌های طبیب نادرشاه، ترجمه‌ی علی اصغر حریری، به کوشش بدرالدین یغمایی، ج ۲، گیلان: شرق.
- باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم، (۱۳۷۸)، از پاریز تا پاریس، ج ۷، قم: خرم.
- بدليسی، شریف‌خان، (۱۳۷۳)، شرف‌نامه، تصحیح محمد عباسی، ج ۳، تهران: حدیث.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۷)، انقلاب و بسیج سیاسی، ج ۷، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ترابی، یوسف؛ گودرزی، آیت، (۱۳۸۰)، «کالبدشکافی رهیافت محرومیت نسبی در پیدایش عصیان و شورش‌های اجتماعی»، نشریه‌ی دانش اجتماعی، ش ۱۱، صص ۹۲-۱۰۹.

- جعفری، علی‌اکبر؛ شعبانی‌مقدم، عادل، (۱۳۹۴)، «زمینه‌های اجتماعی و جریان‌شناسی مشروعیت‌یابی نادر»، *فصلنامه‌ی پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان*، س، ۵۱، دوره‌ی جدید، س ۷، ش ۲، صص ۳۳-۵۲.
- جمالی، سید منصور؛ بردی‌فجوری، ستار؛ رحیمی، سید مصطفی، (۱۳۹۰)، «روش‌های مالیات‌گیری در دوره‌ی افشاریه»، *پژوهش‌نامه‌ی تاریخ*، س، ۶، ش ۲۴، صص ۲۷-۹۰.
- حزین‌لاهیجی، شیخ محمدعلی، (۱۳۷۵)، *تاریخ و سفرنامه‌ی حزین*، ج ۱، تصحیح علی دوانی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینی‌فسائی، میرزاحسن، (۱۳۷۸)، *فارسنامه‌ی ناصری*، ج ۱، تصحیح منصور رستگارفسائی، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- حسینی‌مطلق، عبدالbastط، (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل شورش‌های دوره‌ی افشاریه»، *پایان‌نامه کارشناسی‌رشد*، به راهنمایی احمد عقیلی، دانشگاه سیستان‌وبلوچستان.
- دانشمند، رشید، (۱۳۹۲)، «بررسی اوضاع اجتماعی اقلیت‌های مذهبی و برخورداری از آزادی‌های نسبی در دوره‌ی نادرشاه افشار»، *پژوهش‌های علوم انسانی*، س، ۵، ش ۳۱، صص ۱-۱۶.
- درستی، احمد، (۱۳۹۱)، *دگرگونی ساخت دولت در ایران پیش‌مدون*، تهران: میزان.
- دوکلوستر، آندره، (۱۳۴۶)، *تاریخ نادرشاه*، ترجمه‌ی محمدباقر امیرخانی، تبریز: کتابفروشی سروش.
- دهقانی، مهدی، (۱۳۹۴)، «نقش مشروعیت خاندان صفوی در مناسبات سیاسی پس از فروپاشی دولت صفویه (از حکمرانی محمود افغان تا پایان حکومت نادرشاه)»، *کارنامه‌ی تاریخ*، ش ۴، صص ۹۰-۶۱.
- رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه‌ی پتانسیل آنومی در شهر تهران، تهران: سروش.
- رئیس‌السادات، تهمینه، (۱۳۹۵)، «علل و زمینه‌های شورش‌ها و ناآرامی‌های عصر نادرشاه»، *تاریخ پژوهی*، س، ۱۸، ش ۶۶، صص ۴۷-۷۴.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۳)، *روزگاران (تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی)*، ج ۵، تهران: سخن.
- ساسانیان، سعید، (۱۳۹۷)، «عملیات روانی سایت‌العربیه بر عرب‌های خوزستان با تمرکز بر

## | واکاوی شورش‌های متفاوت عصر نادری متأثر از احساس محرومیت نسبی | ۱۰۹

- احساس محرومیت نسبی رفاهی»، فصلنامه‌ی آفاق و امنیت، س ۱۱، ش ۳۸، صص ۱۱۵-۱۴۲.
- سام دلیری، کاظم، (۱۳۸۲)، «سنجهش محرومیت نسبی در نظریه‌ی تد رابرت گر»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، س ۶، ش ۲۲، صص ۸۱۳-۸۲۶.
- سپهر، محمد تقی لسان‌الملک، (۱۳۷۷)، ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه)، ج ۱، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- سمباتیان، رمان؛ دهقان‌زاد، مرتضی؛ دهقان‌نیری، لقمان، (۱۳۸۸)، «سیاست مذهبی نادرشاه در قفقاز»، نشریه‌ی تاریخ اسلام و ایران، ش ۳، صص ۶۷-۹۴.
- شجاعی‌زند، علیرضا، (۱۳۷۵)، «سلسله‌های اسلامی در ایران و مسئله‌ی مشروعيت»، فصلنامه‌ی حکومت اسلامی، ش ۲۵، صص ۱۶۸-۲۰۶.
- شعبانی، رضا، (۱۳۶۲)، «تقدی بر کتاب دولت نادرشاه افشار - طرح کلی روابط اجتماعی ایران در دهه‌های چهارم و پنجم قرن هجری»، نشریه‌ی جستارهای ادبی، ش ۶۲، صص ۴۲۹-۵۱۴.
- ——— (۱۳۷۳)، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، ج ۱، تهران: قومس.
- ——— (۱۳۷۶)، حدیث نادرشاهی، ج ۲، تهران: بعثت.
- ——— (۱۳۸۱)، نادرشاه افشار، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- عنایتی، علی‌اکبر، (۱۳۸۹)، مازندران در عصر وحشت (تاریخ مازندران در دوره‌های افشاریه و زندیه)، ساری: شلفین.
- فریزر، جیمز بیلی، (۱۳۶۳)، نادرشاه، ترجمه‌ی ناصرالملک، تهران: پاسارگاد.
- فکوهی، ناصر، (۱۳۷۸)، خشونت سیاسی: نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها، تهران: قطره.
- کشمیری، عبدالکریم، (۱۹۷۰)، بیان واقع، تصحیح و تحقیق داکرکی - بی نسیم، لاهور: اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب لاهور.
- گر، تد رابرت، (۱۳۷۷)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، ترجمه‌ی علی مرشدی‌زاده، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- ——— (۱۳۷۹)، «منازعات مدنی»، در: خشونت و جامعه، به اهتمام و ترجمه‌ی اصغر افتخاری، تهران: نشر سفید.
- گوگجه، جمال، (۱۳۷۳)، قفقاز و سیاست امپاطوری عثمانی، ترجمه‌ی وهاب ولی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- لکهارت، لارنس، (۱۳۳۱)، نادرشاه، ترجمه‌ی و اقتباس مشق همدانی، تهران: چاچانه‌ی شرق.

- لکهارت، لارنس؛ افشارنادری، غلامرضا، (۱۳۸۴)، نادرشاه آخرین کشورگشای آسیا، ترجمه‌ی اسماعیل افشارنادری، چ ۳، تهران: دستان.
  - لمتون، ا.ک.س، (۱۳۶۳)، مالک و زارع در ایران، ترجمه‌ی منوچهر امیری، چ ۳، تهران: علمی و فرهنگی.
  - مروی، محمدکاظم (وزیر مرو)، (۱۲۶۴)، عالم‌آرای نادری، چ ۳، تصحیح: محمدامین ریاحی، تهران: زوار.
  - مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۷۱)، درآمدی نظری به جنبش‌های اجتماعی، تهران: پژوهشکده‌ی امام خمینی.
  - ملکم، سرجان، (۱۳۸۰)، تاریخ کامل ایران، چ ۲، ترجمه‌ی میرزا اسماعیل حیرت، تصحیح مهدی قمی‌نژاد، تهران: افسون.
  - موسوی‌جنوردی، کاظم، (۱۳۹۳)، تاریخ جامع ایران، چ ۱۱، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
  - مهدی‌نیا، جعفر، (۱۳۷۹)، قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران، چ ۱، تهران: پاسارگاد.
  - میرحسینی، مرتضی، (۱۳۹۰)، از نادرشاه تا آقامحمدخان، تهران: کوله‌پشتی.
  - میرزامحمد کلاتر فارس، (۱۳۶۲)، روزنامه‌ی میرزامحمد کلاتر فارس، تصحیح عباس اقبال‌آشتیانی، تهران: کتابخانه‌ی طهوری و سناپی.
  - مینورسکی، ولادیمیر، (۱۲۶۳)، تاریخچه‌ی نادر شاه، ترجمه‌ی رشید یاسمی، چ ۳، تهران: کتاب‌های سیمرغ.
  - نوابی، عبدالحسین، (۱۳۶۸)، نادرشاه و بازماندگانش، همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری، تهران: زرین.
  - هنوی، جونس، (۱۳۴۶)، زندگی نادرشاه، ترجمه‌ی اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
  - هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۸۶)، «تجاوزهای پیاپی روسیه به ایران پیش از جنگ‌های ایران و روس»، مجله‌ی اطلاعات سیاسی‌اقتصادی، ش ۲۲۵ و ۲۳۶، صص ۷۳-۶۲.
- Avery, Peter, Gavin Hambly, Charles Melville, (2008), *The Cambridge History of Iran (From Nadir Shah to the Islamic Republic)*, Vol.7, Cambridge universitypress.
- Kafkazli Seyed Javad, (2014), *Containment Policy and the Specter of Nader Regional Issues and Global Consequences*, Just Peace Diplomacy Journal International Peace Studies Centre (IPSC), Number 9, London, UK, [73-84].

- Tiraboschi, Mauro and Mass, Anne, (1998), "Reaction Preceived Deprivation in Ingroup and Outgroup:A Cross -Cultural Comparison". European Journal of Social Psychology, Vol.28, PP.403-421 Us Bureau of Census (1998), Washington, D.C.
- Tucker, Ernest (2006), *Nadir shah's Quest for Legitimacy in Post- Safavia Iran*, Gainesville, University press of Florida.
- *1.Mahmud- Nadir şah mektuplaşmaları*, 3 Numaralı Name- I Humayün Deftari, (2014), İstanbul, Bşbakanlık Devlet Arşivleri Genel Mudurluğlu Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı.